



منِ دیگرِ من

نویسنده:

نگین خیرالهی

مقدمه‌نویس و ویراستار:

دکتر احمد کنجوری

نشر قریحه - ۱۴۰۳

سرشناسه	: خیرالهی، نگین، ۱۳۸۳-
عنوان و نام پدیدآور	: من دیگر من / نویسنده نگین خیرالهی ؛ مقدمه‌نویس و ویراستار احمد کنجوری.
مشخصات نشر	: دلفان : قریحه، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ج، ۱۳۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۷۲۹-۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۵ Persian fiction -- ۲۱st century
شناسه افزوده	: کنجوری، احمد، ۱۳۶۰ - مقدمه‌نویس، ویراستار
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۴۲
رده بندی دیویی	: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۶۳۹۹۸۰

عنوان کتاب:	من دیگر من
نویسنده:	نگین خیرالهی
ناشر:	نشر قریحه
مقدمه‌نویس و ویراستار:	دکتر احمد کنجوری
صفحه‌آرایی:	روح‌اله سیف
طراح جلد:	زهرا رضائیان
نوبت چاپ:	چاپ اول
شمارگان:	۲۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۰۷۲۹-۷-۴
قیمت:	۱۱۰۰۰۰ تومان
تلفن مرکز پخش:	۰۶۶۳۲۷۴۴۹۱۹-۰۹۱۶۶۶۰۵۴۵۲
پست الکترونیکی:	nashrgharihe@gmail.com



نشر قریحه: لریستان، دلفان، خیابان امام، کوچه شهید کاظمی، کلینیک مهر، طبقه سوم

تلفن: ۰۹۱۶۶۶۰۵۴۵-۰۶۶۳۲۷۴۴۹۱۹

مقدمه

«منِ دیگرِ من» را از یک سو می‌توان رمان کوتاه، رُمانک یا ناولت (Novelette; Short Novel) دانست. رمان کوتاه نثری روایی و داستانی است که معمولاً کوتاه‌تر از رمان و بلندتر از داستان کوتاه است. رمان کوتاه عموماً کشمکش‌های کمتری نسبت به رمان دارد، اما از داستان کوتاه پیچیده‌تر است. اگرچه تعریف متون روایی و ادبیات داستانی بر اساس کمیت واژگانی و صفحه‌ها چندان دقیق و درست نیست، انجمن نویسندگان داستان‌های علمی تخیلی آمریکا، تعداد کلمات رمان کوتاه را بین ۱۷۵۰۰ تا ۴۰۰۰۰ کلمه تعریف کرده‌اند. برخی نیز تعداد کلمات آن را بین ۱۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ کلمه دانسته‌اند. برخی دیگر حجم رمان کوتاه را حدود ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ واژه گفته‌اند. مزرعه حیوانات نوشته جورج اورول، بیلی باد نوشته هرمان ملویل، ماشین زمان نوشته هربرت جورج ولز و دل تاریکی نوشته جوزف کنراد، ملکوت نوشته بهرام صادقی، آبی‌تر از گناه نوشته محمد حسینی و... نمونه‌های رمان کوتاه هستند. گاه نیز بر اساس تعداد صفحه‌ها، گونه‌های داستان و رمان دسته‌بندی شده است. حجم رمان کوتاه را معمولاً کمتر از ۱۰۰ صفحه گفته‌اند.

از سویی دیگر «من دیگر من» ویژگی‌های داستان بلند را دارد؛ چراکه داستان بلند از داستان کوتاه بلندتر و از رمان کوتاه، کوتاه‌تر است (عموماً ده تا پانزده هزار واژه و به‌ندرت تا سی هزار کلمه). شخصیت‌ها، درونمایه، صحنه‌پردازی‌ها، توصیف‌ها و... گسترده‌تر از داستان کوتاه است و از نظر فنی و کیفی ویژگی‌های داستان کوتاه و رمان کوتاه را توأمان داراست. مرگ ایوان ایلیچ از لف نیکلایویچ تالستوی، پیرمرد و دریا از ارنست همینگوی، مسخ از فرانتس کافکا، بوف کور از صادق هدایت و... نمونه‌هایی از داستان بلند هستند.

به سبب شباهت زیاد رمان کوتاه و داستان بلند، تشخیص نمونه‌های این دو چندان ساده و قاعده‌مند نیست؛ به گونه‌ای که در برخی از درسنامه‌ها و کتب دانشگاهی این دو را یکی دانسته‌اند.

از دریاچه‌های گوناگون و بارویکردهای مختلف می‌توان به متن «من دیگر من» نگریست. دانشجوی فرهیخته‌ام، سرکار خانم نگین خیرالهی، در این اثر، با رنگ‌ولعابی عارفانه، دینی و متافیزیکی به موضوع اهداف والای آدمی در زندگی و کوشش برای رشد و شکوفایی قابلیت‌ها از خلال رخدادهای پیش از تولد، حین تولد، پس از تولد و طول حیات و نیز بعد از مرگ و بازگشت به جایگاه نخستین پرداخته است. در کنار این موضوع اصلی، طرح مباحث روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت از جمله تأثیر دیگران بر رفتار آدمی، نقاب و پرسونا، سایه، خودکشی و... از جذابیت‌های محتوای کتاب است.

شخصیت‌ها پس از عالم معنا/ ذر/ غیب/ عدم وارد دنیا می‌شوند و پس از مدتی به جایگاه نخستین برگردانده می‌شوند. هر یک در صفحه‌ای از کتاب مسافران برگشته، عصاره و فشرده تجربه‌های خود را می‌نگارند. ابعاد فلسفی، ادبی، اجتماعی و... در صفحاتی از کتاب *مسافران برگشته* که در دل روایت گنجانده شده، هم از جذابیت‌های کتاب و هم از نقطه ضعف‌های آن است؛ نقطه قوت است، چراکه باعث تنوع بخشیدن به روایت و گسترش پیرنگ می‌شوند. نقطه ضعف است، چون بیشتر متون نوشته‌شده مسافران برگشته خاطره‌اند و تا داستان‌شدن فاصله دارند، البته نویسنده گاه با بیان و توصیف دقیق و جزئی‌نگرانه و پاشیدن رنگ و لعابی ادبی بر واژه‌ها و عبارات کوشیده است که خاطرات را تا سطح داستان برکشد. مطالب کتاب *مسافران برگشته* نیز ساخته و پرداخته ذهن خودنویسنده است؛ گویی نویسنده در کتاب من دیگر من، دو کتاب را نوشته است؛ به بیان دیگر در این اثر، علاوه بر روایت از زبان راوی بنیادین (دانای کل)، با روایت ثانویه یا فروگذاری شده به قول ژرار ژنت (Gérard Genette ۱۹۳۰-۲۰۱۸) -مواجه هستیم. متن در متن، نقل در نقل و روایت در روایت بودن جذابیتی خاص به اثر بخشیده و همچون آینه در آینه جلوه و جلایی جذاب دارد؛ برای نمونه یکی از انسان‌های برگشته از دنیا، در صفحه ۹۷ جلد ۹۷ کتاب *مسافران برگشته* نوشته است: «یاد آن روزی افتادم، آن تصادف و دقیقاً از دست دادن قدرت تکلم. حال چگونه باید به شغل موردعلاقه‌ام ادامه می‌دادم؟ احساس می‌کردم اگر آن را از دست بدهم، زندگی بی‌معنی‌ترین واژه می‌شود...»

نمونه دیگر نیز خاطره‌ای است که در صفحه ۵۰۰ «کتاب مسافران برگشته» جلد ۳۶۹۷ آمده:

«فقط می‌خواهم بخشی از خاطره و موبه‌موی نصیحتی را که با عزیزی داشتم، بنویسم و امیدوارم طولانی نشود.

یاد همان دوست دوران دبیرستانم افتادم. با چشمانی پر از گریه سعی می‌کرد برایم توضیح دهد. انگار با بیشتر شدن حرف‌هایش، رابطه‌ای معکوس میان حرف و نفس‌هایش به وجود می‌آمد. تعداد نفس‌هایش کمتر می‌شد؛ تا جایی که دیگر دوام نیاورد و با نشان دادن پیام‌های گوشی‌اش سعی کرد ادامه‌ی مطلب را به من بفهماند...»

در متن‌هایی که گفت‌وورد (نقل قول) از صفحه‌های گوناگون از جلد‌های متعدد کتاب‌های مسافران برگشته نقل می‌شود، با روایان گوناگونی مواجه می‌شویم که هر یک تجربه‌های زیسته خویش را از دریچه احساسات، باورها و اوامشان به تصویر می‌کشند تا ابعادی از زندگی را یادآور شوند. روایت‌های بریده‌بریده که نوشته شخصیت‌های ناشناس و معرفی نشده از میان مسافران برگشته هستند، سیر روایت را فراز و فرود بخشیده است. در این شیوه از روایت، با گذر از یک شخصیت به شخصیت دیگر و به بیانی بهتر با خواندن خاطرات و گزارش‌های مکتوب هر یک از مسافران برگشته - که در دل کتابی با مجلد‌های بی‌شمار گنجانده شده‌اند - سطح آگاهی نیز تغییر می‌کند. گرچه گاه نصیحت و اندرزهای مستقیم از ارزش داستان فرو کاسته

است، تغییر راوی و تنوع روایت‌ها و پراکنش آگاهی در سطح روایت با ایجاد تعلیق‌ها و شوک‌ها بر جذابیت داستان «من دیگر من» افزوده است.

گاهی نویسنده صفحه‌ای از کتاب *مسافران برگشته* نیز از دیگران نقل می‌کند و با گفتاورد در گفتاورد (نقل در نقل) روبه‌رو می‌شویم؛ بدین گونه از روای اصلی و بنیادین به راوی ثانوی می‌رسیم که او نیز از راوی دیگری نقل می‌کند؛ با همین شیوه و شگرد، تنوع سطوح روایت دوجندان می‌شود. مانند صفحه ۷۰۴ «کتاب *مسافران برگشته* جلد ۱: ۹۳۵۷۶۰۱: «بعضی‌ها به نوبه‌ی خودشان خاص هستند. روزی آن دختر زیبا و گیسوبلند این‌گونه تعریف می‌کرد: "من حتی آن روز که کلی از آن پیراهن حریر و ساده خوشم آمده بود، حاضر نشدم در قبالت آن کت طوسی را که اتفاقاً خیلی برایم خاص بود، به دوستم بدهم. می‌دانی بعضی‌ها اصلاً این‌گونه نیستند. حتی نه لباس را بلکه آدمی را به آدمی دیگر ترجیح می‌دهند."»

از خلال مطالب کتاب دانسته می‌شود که منظور نویسنده از «فردا» همان خداست: «در دل با او نجوایی دارم؛ پس با چشمان بسته‌ام زمزمه‌ی تسکین‌بخش دلم را تکرار می‌کنم: تویی آن پناه؛ تویی آن کس؛ تویی همدرد و تویی همراز؛ تویی دانا... تویی بینا؛ تویی قادر... تویی دانا. مگر می‌شود بدون حس کردن حتی ثانیه را پشت سر گذاشت، فردای من؟!»

راوی و شخصیت‌ها دیالوگی مشابه دارند. گفت‌وگوهای بدون گونه با زبان و بیانی تقریباً یکسان ارائه شده‌اند. اگرچه این مورد از ضعف‌های داستان‌نویسی و بویژه شخصیت‌پردازی است، از این نظر پذیرفتنی و

قابل توجه است که در جای جای اثر به یک‌رنگی ارواح انسان‌ها در عالم معنا اشاره شده است؛ گویا به همین دلیل، شخصیت‌ها فارغ از ملیت، جنسیت، نژاد و... توصیف شده‌اند.

عنوان کتاب برگرفته از نوشته‌ای خطابی و نامه‌وار (نامه‌ای صمیمانه) است که راوی از صفحه ۷۳ «کتاب مسافران برگشته جلد ۱» نقل می‌کند: «چه باید بگویم؟ نیکی‌ها و نکویی‌هایت را اگر بنویسم، تمام دفترها پر می‌شوند؛ اما چه فایده! همان بحث همیشگی. زمان همکاری نمی‌کند و وقت رفتن فرارسیده. سؤالی از تو دارم. از آن قلبی که امانت دادمت چه خبر؟ همراهت هست؟ انتظار هم شیرین است اگر پایانش تو باشی. **مَنْ دِیْگَر مَن!** مرا اینجا زیاد به انتظار نشان.»

تلفیق عالم معنا با مظاهر تکنولوژی مدرن نیز از بازآفرینی‌های خیال نویسنده است که نمودی ویژه دارد.

ساخت اسطوره بازگشت قهرمان (روایت‌های مبتنی بر سفر) که الگویی جهانی است، در این اثر به کار گرفته شده است؛ سفر از عالم نهان به جهان و نیز از جهان به عالم نهان. جوزف کمبل (Joseph Campbell) (۱۹۰۴-۱۹۸۷) در کتاب «قهرمان هزار چهره» تغییر و تحول شخصیت اصلی و آیین گذار وی را در سه مرحله اصلی - که هر یک دارای مراحل فرعی هستند - دسته‌بندی کرده است؛ این مراحل عبارتند از: ۱- عزیمت (دعوت به آغاز سفر، امدادهای غیبی، عبور از نخستین آستان، شکم نهنگ)؛ ۲- آیین تشرّف (جاده‌آزمون‌ها، ملاقات با ایزدبانو، دیدار زن وسوسه‌گر، آشتی با پدر، دریافت نقش خدایان و پیوستگی با برکت نهایی)؛ ۳- بازگشت (امتناع از

بازگشت، یاریگری دست نجات از خارج، عبور از آستان بازگشت، فرار جادویی و رهایی و آزادی در زندگی).

سه مرحله اصلی و خیلی از مراحل خُرد یادشده در «منِ دیگرِ من» دیده می‌شود.

در این اثر، گاه زبان روایت، زبان اندیشه است و گاه زبان احساس. نمونه‌هایی فراوانی از عبارات پراحساس و ادبی در جای‌جای روایت گنجانده شده است که گاه نثری شاعرانه‌اند؛ چند نمونه در پی آورده می‌شود:

«همین است بعضی‌ها هیچ وقت جای خالی‌شان پر نمی‌شود.

چرا با بعضی رفتن‌ها تو نیز از خود، خواهی رفت؟»

«چه اجباری ست ماندن که طعم صدها نماندن می‌دهد؟»

«یک اشتباه وقتی باعث موفق‌شدن خواهد شد که حسرتی

همچون طناب به دنباله‌اش گره نخورده باشد.»

«در من، منی دیگر درد می‌کشید.»

قلم‌نویسنده «منِ دیگرِ من» هماره پویا و پرتوان باد!

دکتر احمد کنجوری

دهم بهمن ۱۴۰۲